

دکتر پرویز داوربناه با این اپوزیسیون مفلوج چه کنیم

ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی
کین ره که تو میروی به ترکستان است.
" سعدی "

اعلام شد که ایران به چرخه تولید سوخت هسته ای دست یافته است. ولی از پایکوبی و جشن و سرور مردم ایران که در انفعال و بی تفاوتی بسر می برند نشانی بچشم نمی خورد. هدفهای اساسی جنبش انقلابی مردم ایران عبارت بود از آزادی ، استقلال و عدالت اجتماعی. امروز از آزادی خبری نیست ، استقلال ایران بطور جدی در خطر است و عدالت اجتماعی در پرده پندارست. با وجود این که جمهوری اسلامی خود را یک قدرت هسته ای می داند و بر ادامه فعالیت های هسته ای اش اصرار دارد ، امروز در ایران ورشکستگی اقتصادی ، کمبود مایحتاج عمومی ، هرج و مرج ، نا امنی ، بیعدالتی ، فقدان آزادی ، سانسور ، جاسوسی و اختناق بیداد می کند. دیر زمانی است که امید از خانه آنچه به درست یا غلط اپوزیسیون نامیده می شود ، رخت برسته است و حال و روز پریشانی را می بینیم که روز به روز آشفته تر خواهد شد. اپوزیسیون بمعنای کامل کلمه ، فلج است و نتوانسته کوچکترین گرهی از کار فرو بسته ملت بزرگ ایران بردارد. پیش بینی آنچه میگذرد ، دشوار نبود. چرا چنین وضعی پیش آمده است ؟ و چرا اپوزیسیون به حال نزع و نزار افتاده است.؟ اگر طمع و شتاب و غرض ، دید سیاستگران را تیره نساخته بود ، تمیز و پذیرش حقیقت آسان بود.

سرنگونی حکومت دینی و برداشتن دین از مسند حکومت برای برقراری دموکراسی و مردم سالاری به زمان و برنامه نیازمند است. اگر هدف سیاستگران ، برقراری انواع استبداد ، فردی ، گروهی ، نظامی یا مرامی باشد ، استبدادی که وجود دارد ، خواهد ماند. زیرا استبداد دینی در ایران ریشه هائی ژرف دارد. علت ستیز مردم با استبداد دینی را اشتباه نگیریم . مردم برای شاه در بدر و فراری ، ناراضی نشدند که رضا پهلوی ، چاره کار باشد. مردم برای آنچه " اسلام راستین" می خوانند ، برنخواستند تا اسلام های "مترقی ، دموکراتیک ، خلقی و لیبرال " اسلام پناهان بتواند جایگزین این حکومت شود . جنبش کارگران مارکسیست در میان نیست تا انقلابی به رهبری حزب طبقه کارگر ، درمان درد بشمار آید. نقطه برخورد مردم با استبداد دینی حاکم در مسأله " آزادی" است. مردم ما نه غم شاه دارند. نه غم قطع نفوذ اهریمنی آمریکا دارند. نه غم قطع گاز روسیه دارند و نه غم حکومت کمونیست هائی که نقاب دفاع از حقوق بشر را بر چهره پوشانده اند. از آن روز که سران حکومت استبداد دینی به آزادیهای ایرانیان هجوم آوردند ، مردم نیز به قانون زور و اجراکنندگان آن پشت کردند و مقاومت فرهنگی شروع شد و ادامه دارد و مقاومت فرهنگی را به مقاومت سیاسی تبدیل کردند. پریشان اندیشان سیاستمدار می گفتند که مردم ما آزادی و دموکراسی را نمی فهمند. گوئی همه ساکنان سرزمینهای دموکرات ، نویسندگان اعلامیه حقوق بشرند و درک نمی کردند که با شیوه های استبدادی نمی توان جنبش دموکراسی را به پیش برد. نمی خواستند بپذیرند که مردمسالاری را با پیش شرط نوع حکومت نمی توان ساخت. مردم نه زیر پرچم "جمهوری دموکراتیک اسلامی" ، پیش ساخته و نه زیر علم " قانون اساسی مرده مشروطه " و نه بر دعوی پوچ " استحاله حکومت استبداد دینی " گرد نخواهند آمد هر کس هر آرمانی دارد برای آرمانش بکوشد. اما مبارزه برای سرنگونی رژیم استبداد دینی را ، مبارزه مرام و آرمان خاصی ندانیم ، بلکه آن را مبارزه همگانی دموکراسی و آزادیخواهی بشناسیم. امروز ، روز حساب نزدیک شده است. ، همه آنها که با جنبش مردمسالاری ستیز کردند ، تا از آب گل آلود ، ماهی حکومت فردی یا مرامی و... بگیرند ، درمانده اند و پایان کار خود را نزدیک می بینند. همه آنها که ، حکومت موقت بی طرف و یا مجلس مؤسسان بنیاد گذار را انکار کردند در کساد بازار سیاسی ، تماشاگر فروپاشیدگی درمان ناپذیر دار و دستهء خویشند. آنها که به طمع ریاست جمهوری و وزارت و وکالت سر در پی استبداد سازان نهادند ، شاید بار دیگر فرصتی یابند و شیادی هائی را که میدانیم از سر گیرند. امروز دیگر شورای فلان و بهمان رونقی ندارد ، دیگر کسی به رهبر نامه نمی نویسد. دیگر کسی پیام پسر شاه فراری را بالای روزنامه اش نمی نهد. اگر آن مسخرگی ها را از سر بگیرند ، دیگر حتی لیخنند و یا نیشخند تماشاگران را هم نمی یابند. دیگر حال مردم از شنیدن نام چپ و راست آزموده بهم می خورد. اکنون ، کدام یک از آنان که در چند سال اخیرنامی یافته اند ، به این سخنان وقعی گذاشته اند.؟

کدام یک برای آزادی و دموکراسی در ایران فعالیت کرده اند؟ نتیجه ی کرده ها را می بینیم. :

- ۱ - جمعی از دعوت کنندگان اولیه فراخوان رفراندوم ، اعلام میکنند که با ادعای عجیب برخی از افراد و گروهها در اعلام "شورای عالی جنبش رفراندوم ایران" و ادعاهای از این دست ، هیچ گونه ارتباطی ندارند.
- ۲ - تعدادی از نیروهای سیاسی در بیانیه اخیر می نویسند : جریانات ضد ملی از یک سو و ساواکی های فراری از سوی دیگر ، فضای فعالیت سیاسی را به حدی مسموم کرده اند که واژه اپوزیسیون در افکار عمومی در بهترین حالت با بلاهت و وقاحت مترادف شده است و به برکت رادیو - تلویزیونهای تجاری ، سعی بر این است که حرمت رجال تاریخی ایران نیز به باد فنا برود. دراین آشفته بازار ، حتی رهبری مجاهدین خلق هم از محاق به در آمده اند و هر دم با برگزاری تجمعی در یک پایتخت اروپائی و یا در آمریکا ، به مطالبه مزد سرسپردگیهای خود امیدوارند.
- از سوی دیگر ، گروهی که به واسطه بی توجهی جریانات درون مرزی ، اکنون در خارج از کشور بر کرسی رفراندوم نشسته اند، هر روز با پیامهای آشکار و پنهان در صدد توجیه اقدام خصمانه علیه ایران هستند.
- ۳ - یک عضو شورای هماهنگی اتحاد جمهوریخواهان در گفت وگویا خبرنگار شهروند در کانادا در پاسخ به این پرسش که " خلاصه امر الان " اتحاد جمهوریخواهان " چیست " ؟ اظهار داشت که : الان این مجموعه تبدیل به یک کلوب روشنفکری شده است . عده ای جمع می شوند و بحث می کنند و سرگرم می شوند . البته بقیه سازمانهای سیاسی خارج از کشور نیز کلوب های بحث هستند.
- ۴- نشریه اینترنتی روشنگری می نویسد که رضا پهلوی و عده ای از اعضای سازمان اکثریت ، گروهی از جمهوری خواهان ملی ، نمایندگان حزب دمکرات ایران ، کومله مهتدی ، جبهه متحد بلوچستان و طرفداران رفراندوم و... که در جلسات پالتاکی " همه با هم" شرکت دارند ، ظاهرا" اعلام کرده اند که هدف این جلسات آن است که روی یک "میثاق" یا "منشور" توافق کنند و در جلسه ای یک "کنگره ملی" اعلام کرده و منشور را منتشر نمایند. آیا نمایندگان ملت بزرگ ایران هم در این اجلاس شرکت دارند یا نه ، دیگر به آن اشاره ای نشده است. امروز می بینیم ، از آنچه به درست یا به غلط " اپوزیسیون " نام یافته ، جز مفلوجی برجای مانده است. شاید مردم بی ادعا از سرگذشت این مفلوج ناکام عبرت بیاموزند و این مدعی آزادی را بحال خود بگذارند. شاید مردمی که خواستار دموکراسی و زیستن در نظمی به دور از ستم تاراج و نامردمی اند ، به خود آیند و چاره گر مشکل خویش شوند.
- دیر نیست آن روزی که گروههایی از زنان و مردان و جوانان وطن پرست و مبارز ایرانی که به آزادی و دموکراسی باور دارند در داخل و خارج کشور متشکل شوند و فقط با اتکا به نیروی خود و نه به هیچ کشور خارجی به مبارزه ادامه داده و رهبرانیشان را در بستر مبارزه پیدا کنند وجبهه آزادی ایران را بوجود آورند که آن وقت صدها هزار هواداران دین سالاری هم در برابرشان یارای ایستادگی نخواهند داشت. به امید آن روز.